

## بررسی مالیات و تأثیر آن بر زندگی روستاییان در دوره صفویه

علی اکبر جعفری، دانشیار گروه تاریخ دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول)\*  
اصغر فروغی ابری، دانشیار گروه تاریخ دانشگاه اصفهان  
محسن شانه‌ای، دانشجوی دکتری تاریخ ایران دوره اسلامی دانشگاه اصفهان

### چکیده

دوره صفویه به واسطه ایجاد تغییر در نگرش دینی یکی از مهم‌ترین ادوار تاریخی است. در این مقاله به بررسی مقدماتی وضعیت روستائیان به‌مثابه یکی از گروه‌های فرودست در دوران صفویه از بُعد اقتصادی خواهیم پرداخت. روستائیان در دوران صفویه یکی از مهم‌ترین گروه‌های اجتماعی برای تأمین نیازهای ملی دولت مرکزی بودند. این تأمین مالی دولت مرکزی توسط روستائیان به واسطه مالیاتی خاصی بوده است که همواره از دوران قبل از اسلام بر زمین‌های کشاورزی توسط دولت‌ها بسته می‌شده است؛ اما در دوران صفویه این مالیات به همراه دو نوع اضافه ستانی دیگر وضعیت جدیدی را برای روستائیان به همراه آورد. هدف اصلی این نوشتار روشن ساختن معنا و مفهوم سه اصطلاح مالیاتی رایج در این دوره و تأثیر آن بر زندگی اقتصادی روستائیان است. در این نوشتار از روش توصیفی - تحلیلی برای بررسی وضعیت اقتصادی حاکم بر روستاهای زمان صفویه استفاده گردیده است. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که نحوه مالیات دستگاه مالیاتی صفویه از روستائیان به‌صورتی بوده است که بیش از این که مالیات صورت بگیرد اضافه ستانی بوده است و روستائیان که به واسطه این اضافه‌ستانی‌های هرساله تحت فشار بوده‌اند با انواع روش‌ها سعی می‌کردند از این فشار مضاعف بکاهند.

**واژگان کلیدی:** روستائیان، نظام مالیاتی، مالوجهات، تسعیر، طرح، صفویه.

تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۴/۱۲

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۵/۰۸

\*E-mail: A. jafari 2348 @yahoo.com

### مقدمه

گروه‌های اجتماعی فرودست و به‌ویژه روستائیان در مطالعات تاریخی صفویه و البته دیگر دوران‌ها کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند. به واسطه‌ی این غفلت، ابعاد زندگی اجتماعی و اقتصادی آنان کمتر مورد توجه محققین بوده است. این در حالی است که در همه ادوار زندگی ایرانیان به‌طور دائم قریب دو ثلث از سکنه کشور را ده‌نشینان (روستائیان فرودست) تشکیل می‌داده‌اند (شعبانی، ۱۳۹۳: ۵۱). هم‌چنین یکی از ابعاد کمتر شناخته‌شده زندگی روستائیان، چگونگی و نحوه ارتباط مالی و اقتصادی آنان با دولت و مالکین بوده است. محققین اروپایی همچون لمبتون (۱۳۶۲) از زاویه زمین و زمین‌داری و فلور (۱۳۹۴) از زاویه نظام اقتصادی سعی کرده‌اند در کنار توصیف نظام اقتصادی حاکم بر جامعه ایران تا حدودی اشاراتی مختصر به وضعیت اقتصادی روستائیان داشته باشند. در تحقیقات داخلی طهماسبی (۱۳۸۴) سعی کرده است با نگاهی عمیق به تاریخ دوره صفویه و فهم جدیدتری از تاریخ به ابعاد کمتر مورد مطالعه زندگی اقتصادی روستائیان به تفسیر بیشتر مالیات‌های کشاورزی بپردازد؛ اما در مجموع همچنان مطالعه هدفمندی در زمینه‌ی مطالعات تاریخی با تأکید بر جنبه‌های اقتصادی و اجتماعی روستائیان در دوران صفویه به انجام نرسیده است. بر این اساس در این مقاله سه اصطلاح مالیاتی دوران صفویه پرداخته می‌شود که چگونه حیات اقتصادی روستائیان این دوره با فقر بسیار شدید همراه بوده است؛ این سه نوع مالیات، اصلی‌ترین فشار را بر بدنه ضعیف کشاورزی وارد می‌کرده است. در این پژوهش با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی سعی شده ابتدا وضعیت اجتماعی روستائیان و نگاه مورخین مورد بررسی کلی قرار گیرد و سپس با یک مقدمه کوتاه در مورد اقتصاد صفویه به سراغ مهم‌ترین مالیات‌ها و نحوه تأثیرگذاری آن‌ها بر زندگی روستائیان و همچنین نحوه واکنش روستائیان به آن مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

### جایگاه و وضعیت روستائیان در جامعه عصر صفوی

در مورد ساختار و وضعیت اجتماعی جامعه ایران عصر صفوی، حداقل سه نوع دسته‌بندی برای شناخت طبقات آن انجام گرفته است. دسته اول؛ این جامعه را به‌مثابه هرمی می‌بینند که در رأس آن، طبقه برتر جامعه قرار دارد و در قاعده گسترده آن، عامه مردم قرار می‌گیرند (سیوری، ۱۳۷۶: ۱۷۴-۱۷۵). دسته دوم؛ جامعه ایران را به‌مثابه مدلی ترسیم می‌نمایند که از لایه و بافت‌های به‌متکثر برخوردار است؛ این مدل نوعی تکثر در فضای اجتماعی را به لحاظ کارکرد و ساختارها نشان می‌دهد

(فوران، ۱۳۸۳: ۷۵). دسته‌بندی سوم؛ گریزی است از فهم سیاسی جامعه به فهم اجتماعی و اقتصادی. در این دسته‌بندی به‌جای این‌که جامعه به چندطبقه و یا به لایه‌های مختلف تقسیم شود، به سه نوع طرز زندگی مختلفی که وجه غالب زندگی در جامعه ایران بوده است، ورود می‌کند. در این حالت، جامعه ایران، جامعه‌ای است که از زندگی شهری، روستایی و عشایر شکل گرفته است. در این تقسیم‌بندی نیز با همان قاعده بزرگ هرم روبرو هستیم و طبقه بالای اجتماعی قرار نیست مسئله اصلی در مطالعه و بحث باشند. در این دسته‌بندی، زندگی هر گروه و ویژگی آن موردنظر است (یوسفی‌فر، ۱۳۹۰: ب: ۱۱). در نگاه یا دسته‌بندی سوم است که می‌توان وضعیت واقعی حیات اجتماعی مردم ایران را به‌صورت مبسوط توضیح داد. روستائیان در ایران عصر صفوی وضعیتی را تجربه می‌کردند که از آن می‌توان با عنوان؛ "همیشه در حال فقر" نام برد. وقتی که به توصیفات پراکنده خارجی‌هایی که در این دوره از ایران بازدید کرده‌اند، نگاه کنیم، می‌بینیم آنان وقتی از روستائیان ایران سخن می‌گویند از عباراتی هم چون مردم بسیار فقیر (فیگوئروا، ۱۳۶۳: ۳۸۹ و ۱۹۸)؛ مردم بی‌چیز و بدبخت (دولیه دلدن، ۲۵۳۵: ۲۸)؛ روستائیان ساده، فقیر و بیچاره (کارری، ۱۳۸۳: ۲۲۶)، استفاده می‌کرده‌اند. این توصیف حتی در مورد ناحیه پرنعمت و محصول شمال ایران نیز بیان شده است (نامه‌های شگفت‌انگیز از دوران صفویه و افشاریه، ۱۳۷۰: ۵۷). وضعیت فقر مردم روستایی در هیچ دوره‌ای در زمان حکومت صفویان کم نشد. با این‌که ادعا می‌شود در زمان حکومت شاه‌عباس اول، وضعیت روستائیان بهتر از دوران تمام دیگر پادشاهان صفویه بوده است (سلطانیان، ۱۳۹۳: ۱۰۲)؛ اما اظهارات دلاواله که در زمان شاه‌عباس اول، چندین سال در ایران ساکن بود، ثابت می‌کند وضعیت روستائیان همچنان در حالت فقر و بیچارگی می‌گذشته است (دلاواله، ۱۳۸۰: ۴۶۵). شاید یکی از دلایل این امر، استمرار نگاه است که از دوران‌های قبل وجود داشته و بر اساسان، اصولاً کار کشاورزی برای اهلس، مذلت و خواری به همراه داشته و موجب زورگویی و تسلط فرادستان را برای آن‌ها فراهم می‌کرده است (ابن خلدون، ۱۳۵۳: ۷۸۰ / ۲) این نوع زندگی با همه سختی و مشکلاتی که داشته، جلوه آشکار زندگی اکثریت مردمی است که در روستاهای ایران قوت غالب جامعه شهری ایران را تأمین می‌نمودند و از این نظر، بین دوره صفویه نیز با دیگر دوران تاریخی ایران تفاوتی ایجاد نشد. فضای بدون تغییر حاکم بر مناسبات اقتصادی میان روستائیان و حکومت در طول ادوار مختلف، موجب شد، فقر نقطه مرکزی و شاخص اصلی زندگی مردم روستانشین گردد. این مساله زمانی توجه بیشتری را به خود جلب می‌کند که فراموش نکنیم به‌رغم همه ناملایمات طبیعی و انسانی و حاکمیتی علیه زندگی روستائیان، هم چنان و مدام تا اوایل پادشاهی آخرین

آخرین شاه صفوی کشاورزی رونق داشته است. مناسبات مالی روستائیان و حکومت مرکزی در دوران صفویه نمود مشخصی از این شاخص بوده که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

### خراج از دیدگاه علما

بررسی تاریخی نظام اقتصادی ایران در دوران اسلامی نشان می‌دهد "جزیه" و "خراج" اولین و مهم‌ترین مالیات‌هایی بوده که دریافت می‌شده است. خراج، مالیاتی بود که از حاصل محصول به‌دست‌آمده بر روی زمین به دلیل مالکیت و یا «صیانت، محافظت و اعانت» از طرف مالک و یا حکومت دریافت می‌گردید (خوارزمی، ۱۳۶۲: ۶۱). صیانت، محافظت و اعانت همان دلایلی بوده است که گرفتن خراج از طرف حکومت را مباح می‌ساخته است.

دریافت خراج مسئله مهمی برای عالمان اسلامی به وجود آورد چراکه این مفهوم چیزی نبود که در اسلام مطرح‌شده باشد. زکات و خمس دو مالیاتی بود که در اسلام به آن تصریح‌شده بود؛ اما با گسترده شدن قلمروی حکومت اسلامی و هزینه‌های مختلف برای اداره آن ناگزیر نوعی مالیات را وضع کردند که قبل از آن در دوران ساسانیان در ایران رواج داشت. علمای اهل سنت در توجیه بحث دریافت خراج آن را به‌عنوان یک نوع زکات از منظر دینی مطرح کردند و آن را به زمین‌هایی که مردمش اسلام آورده باشند و یا زمین‌هایی که مسلمانان آن را آباد کرده باشند و یا زمین‌هایی که در اختیار فرماندهان نظامی باشند، بستند (خوارزمی، ۱۳۶۲: ۶۱). بعدها در دوران ایلخانان مغول، مالیات جدیدی این بار بر اصناف شهری وضع شد که از دیدگاه علما مخالف اسلام بود اما پس از چندی آن را نیز به‌عنوان یک نوع زکات پذیرفتند (فراگنر، ۱۳۸۲: ۲۵۶-۲۵۵)؛ اما موضع شیعه در این مورد تفاوت داشت؛ شیعیان معتقد بودند که خراج اگر قرار باشد پرداخت شود باید به امام معصوم داد تا او در جهت ترویج دین و اداره زندگی مردم از آن استفاده کند. تا قبل از به وجود آمدن حکومت شیعه علمای شیعه چندان موافقتی با پرداخت خراج و یا دریافت خراج از سلطان جائر نداشتند (جعفریان، ۱۳۷۰: ۱۹۱). این مسئله موجب شده دولت نوپدید صفوی دچار مشکلات زیاد اقتصادی گردد؛ محقق کرکی که در زمان شاه‌طهماسب به مقام شیخ‌الاسلام رسید با نوشتن رساله‌ای به دفاع از پرداخت خراج و دریافت آن از سلطان جائر به‌عنوان فقیه جامع شرایط و نایب عام امام معصوم پرداخت (امین، ۱۳۸۵: ۷۵). همین فتوی موجب شد که رویه دولت صفویه نیز در امور اقتصادی شباهت زیادی با رویه اقتصادی حکومت‌های قبلی پیدا نماید.

### مناسبات مالی دولت با روستاییان و کشاورزان

مناسبات حاکم بر اقتصاد کشاورزی ایران در دوره صفوی سه گروه را درگیر می‌نموده است؛ (۱) کشاورزان؛ (۲) کارگزاران کشاورزی (۳) حکومت مرکزی. اگر از بالا به این سلسله‌مراتب نگاه کنیم، حکومت مرکزی با استفاده از دیوان استیفا و شخص مستوفی‌الممالک، مالیات‌های هر منطقه را مشخص می‌نمود. عاملان استیفا و مستوفیان محلی می‌بایست مالیات‌ها را برابر سپاه‌های که مستوفی‌الممالک و دیوان استیفا در پایتخت معین می‌کردند، در محل، از مؤدیان مالیاتی وصول و به خزانه دولت ارسال می‌نمودند (امین، ۱۳۸۵: ۸۲). گروه دوم یعنی کارگزاران کشاورزی از طیف وسیعی از نیروهای منصوب دولتی در محل تشکیل می‌شدند؛ محصلان، مباشران، کلانتران، داروغه‌ها و مستوفیان منطقه‌ای که هر کدام سعی می‌کردند بخشی از وظیفه وصول مالیات در منطقه خود را بنا به شرح وظایفشان به انجام برسانند (فلور، ۱۳۹۴: ۱۵۱-۱۰۷). گروه آخر، کشاورزان بودند؛ این گروه متشکل از دو دسته عمده می‌شدند؛ رعایا، مزارعان و دهاقین (موید ثابتی، ۱۳۴۶: ۳۸۷). رعایا آن دسته از کشاورزان بودند که صرفاً به‌عنوان کارگر در زمین‌ها و یا باغات دیگر کشاورزان کار می‌کردند. مزارعان و دهاقین نیز آن عده از کشاورزان بودند که برخی از عوامل تولید کشاورزی را دارا بودند و هم‌چنین صاحب نسق (۱) هم شمرده می‌شدند.

به طور کلی و بر اساس گزارش‌های به جا مانده از دوره صفویه، روستائیان جزئی از اجزاء ده به شمار می‌رفتند و تقریباً هیچ نقشی در سرنوشت و زندگی خود نداشتند (سرلک، ۱۳۸۹: ۲۶۴ و ۲۶۶). این در حالی بود که شاردن در همان زمان مدعی بود که کشاورزان ایرانی - که اصلی‌ترین ساکنان روستاها بودند - اغلب از همتایان اروپایی خود خوش بخت‌تر بودند (شاردن: ۸ / ۱۳۴۵: ۳۳۸) در این حالت بود که هرگاه شاه می‌خواست، می‌توانست روستائیان را به یکی از زیردستان خود برای انجام کار در روستای دیگر ببخشد (رشتیانی، ۱۳۹۴: ۲ / ۱۵۰ و ۲۲۵) و یا آنان را مانند زمین و بقیه املاک روستا به شخصی واگذار نماید (همان: ۱۱۰) این وضعیت روستائیان نیز با دیدگاه برخی محققین خارجی که معتقدند روستائیان در دوران صفویه از آزادی فردی برخوردار بوده‌اند (مینورسکی، ۱۳۶۸: ۳۳)، سازگاری ندارد. واقعیت این است که حتی اگر تا نیمه قرن یازدهم هجری هم وضع روستائیان ایران خوب بوده باشد اما به مرور زمان با بی‌مبالاتی و عدم مراقبت حاکمان ایالات و ولایات در رسیدگی به روستاییان و بی‌توجهی آنان به مهم‌ترین بخش مولد اقتصادی ایران، زراعت و حاصلخیزیش کاسته شده است. (تاورنیه،

۱۳۶۹: ۳۶۳) و فقط در یک مورد بیشترین آسیب ناشی از تغییرات مالکیت ارضی و تبدیل وضعیت زمین‌ها را همین روستاییان متحمل شدند.

روستائیان بدون توجه به بحث مالکیت ده، پس از برداشت محصول با دو نوع پرداخت مالی مواجه بودند؛ یکی بهره مالکانه و دوم مالیات مرسوم به «مالوجهات» که به دولت پرداخت می‌شد.

بهره مالکانه پس از مشخص شدن نحوه‌ی اجرای «مزارعه» - به‌عنوان شکل غالب کنار هم قرار گیرد کار میان روستائیان و مالک - مبنای تقسیم محصول بین مالک و زارع بود (لمبتون، ۱۳۶۲: ۷۷۳). در مزارعه، نحوه‌ی تقسیم محصول کشاورزی بر اساس مشارکت مالک و زارع در عوامل تولید امحاسبه می‌شد (سلطانیان، ۱۳۹۳: ۹۷). عوامل تولید عبارت بودند از زمین، آب، چهارپایان، بذر و کار (مینورسکی، ۱۳۶۸: ۳۴). معمولاً زمین و آب را مالک و یا دولت می‌آورد و بقیه عوامل سهم زارعان بود. نکته مهمی که باید در این جا به آن توجه نمود، نحوه‌ی تخمین میزان مالیات و بهره مالکانه است. برای تعیین میزان مالیات و همچنین بهره مالکانه می‌بایست میزان کلی محصول تخمین زده می‌شد. تعیین میزان محصول اراضی در ایران دوره صفویه به سه روش انجام می‌پذیرفت؛ الف) «مساحت» که بر اساس میزان زمین کشت شده، میزان محصول اعلام می‌شد و در صورت بروز آفت هم کشاورز ملزم بود که همان میزان مالیات تعیین شده را بپردازد؛ ب) «مقاطع» که در آن با توجه به مقدار زمین، مقدار بذر و محل کشت، میزان مالیات مشخص می‌شد. این میزان مالیات به بهرغم آفت و خشکسالی، در طول سالیان متممادی قابل تغییر نبود (شاردن، ۱۳۴۵، ج ۸: ۲۷۱). ج) «مقاسمه» در این روش، محصول را قبل از برداشت توسط «متصدی ریاع» به روش‌های خاصی ربع‌گیری می‌شد (ابونصری هروی، ۱۳۴۷: ۲۵)؛ پس از ربع‌گیری و تا زمان برداشت محصول، اگر آفت به آن می‌رسید، میزان مالیات قابل کاهش یافتن بود (میزراسمیعا، ۱۳۶۸: ۵۱). چنان که مشخص است، مقاسمه بهترین و عادلانه‌ترین روش برای کشاورزان و مساحت بهترین و سود اورتین روش برای مالکان در امر تخمین میزان بهره مالکانه و مالیات بوده است.

مالوجهات، اصطلاحی است که در دوران صفویه جایگزین واژه خراج شده است (نصیری، ۱۳۷۲: ۶۱-۶۲). این اصطلاح با اصطلاحاتی هم چون مال و منال، مال و متوجهات و مال و جهات مترادف است. مالوجهات از دو کلمه مال به معنی "نقدی" و جهات به معنی "جنسی" تشکیل شده است؛ مال به غیر از معنای نقدی، به معنای سهم ارباب از محصول برداشت شده، نیز است (مشیزی، ۱۳۶۹: ۴۳۵). مقدار مالوجهات، یک عشر یا همان یک دهم محصول برداشت شده بود لذا پیش از این به اینگونه زمین‌ها، زمین‌های عشری می‌گفتند (لمبتون، ۱۳۶۲: ۶۸).

این که چه کسی (مالک و یا زارع) باید خراج را پرداخت کند، مسئله‌ای بوده است که در طول زمان و به واسطه مسائل مختلف تغییر کرده است. همانگونه که اصل پرداخت خراج نیز با فراز و فرودهایی روبرو بوده است پرداخت خراج به امام معصوم "ع" - نظر علمای اولیه شیعه - و مخالفت آنان با پرداخت به سلطان جائر (جعفریان، ۱۳۷۰: ۱۹۱) در اوایل دوره صفویه همچنان مساله ساز بود به گونه‌ای که محقق کرکی با نوشتن رساله‌ای به کمک صفویان امد و پرداختان را به شاه صفوی از حرمت خارج و انرا تکلیف نمود (امین، ۱۳۸۵: ۷۵) در دورانی نزدیک به صفویه، نحوه‌ی پرداخت خراج را به دو گونه گزارش شده است؛ عده‌ای معتقد هستند که در مزارعه، همیشه خراج به عهده مالک زمین است و بهره مالکانه را زارعان می‌پردازند (خسروی، ۱۳۵۵: ۱۲۳ و یوسفی‌فر، ۱۳۹۰ الف: ۱۸۸-۱۸۷). عده دیگر بر این باورند که طریقی دریافت خراج توسط نماینده حکومت به این صورت بود که یا از کل محصول، قبل از تقسیم آن بین صاحب نسق و زارع «عشر» گرفته می‌شد و یا این که بر اساس مزارعه از سهم طرفین اخذ می‌گردید (لمبتن، ۱۳۸۲: ۲۰۸). ظاهراً چنین به نظر می‌رسد که این قالب‌ها و جزئیات مربوط به آن، در مالوجهات که بصورت مشخص در دوره صفویه مرسوم بود، نیز دیده شود، با وجود این، عمده دلیلی که برای تفاوت نظر در عامل پرداخت مالوجهات می‌توان عنوان کرد، بحث مالکیت زمین است. گوناگون بودن نوع مالکیت (۲) زمین (۳) در این دوران باعث می‌شد که در برخی اوقات، فردی به‌عنوان مالک در مورد روستا و یا زمین وجود نداشته باشد و در اصل، شاه مالک مطلق زمین‌ها بوده است (فلور، ۱۳۹۴: ۱۵۵)؛ در این حالت روستائیان بهره‌مالکانه و عشر را توأمان به محصلان مالیاتی پرداخت می‌نمودند.

نحوه‌ی پرداخت (نقدی و جنسی) مالیات توسط عاملان کشاورزی در دوره صفویه با توجه به دوری و نزدیکی به شهر و نوع محصول متفاوت بوده است. اگر محصولات صیفی‌جات، سبزی‌جات و میوه‌جات بود و روستا و کشاورز به شهر نزدیک بودند، معمولاً نحوه‌ی پرداخت مالوجهات به‌صورت نقدی بوده است؛ اما چنانچه نوع محصول به‌صورت غلات بود که امکان انبار کردن آن برای حکومت مقدور می‌بود، در این حالت مالوجهات را جنسی می‌گرفتند و یا به نسبتی نقدی و جنسی دریافت می‌شد که البته در مورد این نسبت نمی‌توان مقدار خاصی را بیان کرد چرا که این، امری نسبی و ثابت نبوده است (طهماسبی، ۱۳۸۴: ۱۱۱-۱۱۲). ادعای بالا در مورد فروش محصولات کشاورزی صرفاً در مورد روستاهایی صدق می‌کند که یا در اطراف شهر بودند و یا در مالکیت فرد خاصی بودند که توانایی حمل محصولات کشاورزی را به بازار مصرف داشت. در هر دو حالت محصولات کشاورزی به شهر حمل می‌شد و در کاروانسراهایی که برای فروش محصولات تازه کشاورزی در شهر وجود داشت (شانواز و

خاقانی، ۱۳۹۴: ۱۰۹-۱۰۸)، به فروش می‌رسید. در بحث صیفی‌جات و میوه‌ها می‌توان به واسطه‌ی فروش این محصولات در بازار شهرها تا حدودی گرفتن مالیات و بهره مالکانه را به صورت نقدی پذیرفت اما در مورد عمده محصولات روستاها یعنی غلات، حبوبات و ابریشم چنین بنظر می‌رسد که صورتی غیر نقدی و جنسی داشته است. چند دلیل را می‌توان در این جا مورد تأکید قرار داد. اولین دلیل در ماهیت نظام اقتصادی حاکم بر کشاورزی ایران در دوران صفویه بوده است. برخی محققین این نظام اقتصادی را، نظام اقتصادی «طبیعی» برآورد نموده‌اند (عیسوی، ۱۳۶۲: ۸۰). بر اساس این نظر، تولید محصولات فقط در حد رفع نیاز خود و خانواده بوده و مازاد تولید در حد محدود و برای پرداخت مالیات بوده است. در این حالت نوع مبادله جاری، مبادله کالا به کالا است و نه کالا در برابر پول. اقتصاد طبیعی حاکم بر کشاورزی ایران این امکان را نداشته است که به منابع نقدی دسترسی داشته باشد تا بتواند مالیات خود را به نقد پرداخت نماید و یا حداقل بخش وسیعی از روستائیان امکان پرداخت نقدی را نداشته‌اند. مسئله دوم که مهم است، این که از دوران شاه‌عباس دوم تا پایان حکومت صفویه یکی از بحران‌های همیشگی دولت، بحران «پول» بوده است (نیومن، ۱۳۹۳: ۱۶۰ و ۱۲۰)؛ با شروع طرح صادرات سکه از ایران و ناتوانی دولت صفویه برای جلوگیری از آن، وضعیت مسکوکات در ایران به حدی بحرانی شد که تجار خارجی حاضر به داد و ستد با ایرانیان نبودند (سانسون، ۱۳۴۶: ۱۸۸).

میزان بهره مالکانه و مالیات بر محصولات کشاورزی در دوران صفویه

نام محصول	تقسیم بر اساس نسق	
	بهره مالکانه	زارع
ابریشم (۴)	---	---
پنبه	$\frac{۳}{۴}$ محصول	$\frac{۳}{۴}$ محصول
برنج	$\frac{۳}{۴}$ محصول	$\frac{۳}{۴}$ محصول
گندم	$\frac{۳}{۴}$ تا $\frac{۴}{۴}$ محصول	$\frac{۳}{۴}$ تا $\frac{۴}{۴}$ محصول



جو	تا $\frac{۳}{۱۰}$ محصول	تا $\frac{۳}{۱۰}$ محصول	تا $\frac{۳}{۱۰}$ محصول
مرکبات	تا $\frac{۳}{۱۰}$ محصول بهره‌مالکانه	تا $\frac{۳}{۱۰}$ محصول	تا $\frac{۳}{۱۰}$ محصول
صیفی‌جات (۵)	تا $\frac{۳}{۱۰}$ محصول بهره‌مالکانه + ۱۵٪ اضافه	تا $\frac{۳}{۱۰}$ محصول	تا $\frac{۳}{۱۰}$ محصول
میوه	تا $\frac{۳}{۱۰}$ محصول بهره‌مالکانه + ۱۵٪ اضافه	تا $\frac{۳}{۱۰}$ محصول	تا $\frac{۳}{۱۰}$ محصول
گوسفند	پشم و زاد و ولد سال	پشم و زاد و ولد سال	پشم و زاد و ولد سال

منابع: شاردن، ۱۳۴۵، ج ۸: ۲۷۶-۲۷۷ و ۲۷۰؛ اولثاریوس، ۱۳۸۵: ۳۲۰، کمپفر، ۱۳۶۳: ۱۱۲-۱۱۳

در این حالت از روستائیان که جزو آخرین حلقه اجتماعی ایران بود نمی‌توان انتظار داشت چیزی به اسم پول نقد داشته باشند تا بتوانند با آن بخشی از مالیات خود را به صورت نقدی به دولت بدهند. دلیل سوم که مهم‌ترین دلیل است، ناظر به ساختار نظام مالیاتی دوران صفویه است. در دوران صفویه، اضافه ستانی (اخراجات) به صورت گسترده‌تر از حکومت‌های قبل ادامه یافته بود (۶). مالیات‌های اضافی می‌تواند نشانه و معنای واقعی مالوجهات را نشان دهد.

### تسعیر

«تسعیر» نیز نوعی اضافه ستانی بوده است که در مورد برخی از محصولات کشاورزی و به ویژه غلات وجود داشت. تسعیر در اصطلاح به نرخ گفته می‌شد که بر حسب آن مالیاتی را که به دینار طلا یا یا به جنس تقویم شده بود به دینار رایج یا به طور کلی به پول نقد تبدیل می‌کردند (المبتون، ۱۳۶۲:

۷۷۶). تبدیل مالیات از حالت نقدی به جنسی و دوباره تبدیل آن به نقدی، از طرف دولت و عمال آن دارای یک هزینه بخصوص می‌شد که این هزینه اصطلاحاً «تسعیر» نام برده می‌شده است. ناظر بیوتات بیوتات شاهی، محتسب الممالک، مستوفی الممالک و مستوفی ارباب تحویل بر اساس نوشته‌های میرزا رفیعا و میرزا سمیعا افرادی بودند که در وضع و اجرا این اضافه ستانی در زمان صفویه مسئولیت داشتند. به‌صورت مشخص در مورد رسم شدن، تسعیر نمی‌توان تاریخی برای ابداع آن در حوزه کشاورزی عنوان کرد ولی بعد از اسلام و با گسترش مناطق تحت سلطه مسلمانان رسمی به وجود آمد که می‌توان آن را یکی از پایه‌های ایجاد تسعیر در کشاورزی ایران دانست. ظاهراً پول‌هایی که در مناطق مختلف حکومت گسترده اسلامی آن زمان رواج داشته است از کیفیت مختلفی برخوردار بوده است. حکومت مرکزی بر اساس دینار (سکه طلا) مرغوب میزان خراج هر منطقه را مشخص می‌نموده است در این حالت افرادی با عنوان «جهبذ» به مناطق مختلف اعزام و یا منصوب می‌شدند تا میزان خراج مشخص شده را بر اساس دینار دریافت نمایند در این حالت «جهبذ» کیفیت سکه رایج در منطقه و یا سکه‌های رایج در منطقه را محک می‌زد، سپس میزان خراج تعیین شده هر بخش را به دینار پایتخت مشخص و سپس برآورد می‌نمود که چه مقدار پول رایج منطقه برابر با میزان دینار درخواستی در پایتخت است که باید مالکان و یا روستائیان پرداخت نمایند (انوری، ۱۳۵۵: ۹۷). این روند در چند قرن ابتدایی در قلمروی جهان اسلام جریان داشته است.

بر اساس گزارش‌های منابع دوره صفویه در ایالت‌های خاصه، مستوفی موظف بوده است محاسبه کل رعایا و مودیان بعد از تشخیص و تسعیر قوس هر سال که عمال و ماموران موافق دستور معمول مشخص نموده باشد، به مودیان می‌داد (میرزاسمیعا، ۱۳۶۸: ۴۷؛ میرزا رفیعا، ۱۳۸۵: ۲۴۳). بر این اساس مستوفیان ایالت‌های خاصه، ابتدا میزان مالوجهات را مشخص کرده و سپس نرخ تسعیر آن را نیز در قالب احکام برای هر نسق مشخص می‌نمودند؛ اما نکته اصلی این است که اصطلاح «تسعیر» بعد از فروپاشی کامل خلافت در جهان اسلام هم چنان در دوران صفویه وجود داشت و تداوم یافت دلیل بقاء تسعیر در دوران صفویه به مفهوم «مالوجهات» باز می‌گردد. روستائیان برای دادن «جهات» یا همان مالیات جنسی مشکلی نداشتند؛ اما وقتی قرار بود مالیات نقدی (مال) بپردازند، نداشتن پول موجب می‌شد که تسعیر یا همان "تبدیل" به‌عنوان یک امر لازم خود را نشان دهد. در این حالت، حکومت مرکزی مشخص می‌نمود که چه مقدار محصول برابر با چه مقدار پول است؟ البته مشخص و روشن است که این تسعیر، خسارت گسترده‌ای برای روستائیان به ارمغان می‌آورد، زیرا قیمت محصول در تسعیر با قیمت بازار به شدت اختلاف داشت؛ به‌صورتی که برای مثال فقط تسعیر برنج گیلان در یک

سال در دوران حکومت شاه‌عباس اول برابر با ۱۸ هزار تومان شد (منجم یزدی، ۱۳۶۶: ۳۳۶). مشکل اصلی تسعیر برای روستائیان در زمانی بیشتر می‌شد که به هر دلیلی، میزان محصول کاهش پیدا می‌کرد در این حالت، روستائیان نه تنها باید تمام محصول برداشتی را به‌عنوان بدهی مالیاتی خود می‌پرداختند بلکه در پرداخت بدهی به دولت دچار کسری نیز می‌شدند که باید در طول سال‌های بعد جبران می‌شد. در سال‌هایی هم که میزان محصول زیاد بود، مسلماً روستائیان هیچ سودی نمی‌بردند؛ چرا که دولت برای بهره‌وری بیشتر خود که نتیجه‌ای جز فقر بیشتر روستائیان نبود، صرفاً به تسعیر در مالوجهات اکتفا نمی‌کرد بلکه اضافه‌ستانی دیگری نیز وجود داشت که عملاً تمام منفعت کشاورزی را به‌جای این که به روستایی برسد، به دست می‌آورد.

### طرح

«طرح» از جمله اصطلاحاتی است که در نظام مالی دوران قبل از صفویه وجود داشته است (بازتولد، ۱۳۵۸: ۲۹۹-۳۰۰) و دارای حداقل چهار معنی بوده است: صورت موجودی؛ تقسیم جیره‌بندی مواد غذایی؛ انتقال پرداخت‌ها به مردم و فروش اجباری که شامل فروش محصولات نازل خریده شده به‌صورت اجباری می‌شود. در مقابل چهار معنا از «طرح» کلمه «ابتیاعی» وجود داشت که به معنای مجبور ساختن کشاورز به فروش غلات و برخی از محصولات کشاورزی به قیمت نازل‌تر به ماموران دولتی است (بوسه، ۱۳۶۷: ۱۷۹)؛ اما در دوره صفویه به نوعی معنای «طرح» و «ابتیاعی» در هم ادغام شد و با عنوان «طرح» شناخته می‌شد؛ که عبارت بود از فروش اجباری محصولات توسط روستائیان به دولت به قیمت پایین‌تر از نرخ بازار و خرید اجباری محصولات انبارهای دولتی توسط مردم شهر و روستا به قیمتی که ماموران دولت معین می‌کردند (بوسه، ۱۳۶۷: ۱۷۸-۱۷۹؛ لمبتون، ۱۳۶۲: ۷۸۴)؛ به نوعی، انحصار در خرید و فروش که در متون تاریخی و تحقیقی معاصر بیشتر با کلمه «انحصار» شناخته می‌شود. طرح در زمان صفویه بر ابریشم، پشم و غله وضع شده بود (فلور، ۱۳۹۴: ۲۶۲).

با نگاهی گذرا به محصولات تولیدی کشاورزی در دوره صفویه مشخص می‌گردد که غالب محصولات کشاورزی در ذیل اضافه‌ستانی (اخراجات) قرار می‌گرفت، در این حالت چه برای روستایی سال پُر محصولی باشد و چه سال کم محصول، در هر دو حالت دولت تمام محصول او را به قیمت دلخواه یا به‌عنوان مالیات و یا به‌عنوان در طرح بودن محصول می‌خرید. در این حالت هیچ‌گاه اضافه‌تولیدی برای روستائی باقی نمی‌ماند که با آن بتواند وضعیت اقتصادی خود را ارتقاء دهد.

حال می‌توان در این جا یک سوال مهم مطرح کرد و آن سوال این است که چطور با این همه فشار جامعه روستایی توانست باقی بماند؟ پاسخ به این سوال را می‌توان از لابه‌لای اسناد به جا مانده به دست آورد.

محقق سبزواری از علمای زمان شاه‌عباس دوم مولف «روضه الانوار عباسی»، در بخشی که به روستائیان پرداخته است چند مورد را از حاکمان و شاه در زمینه رفاه حال روستائیان تقاضا کرده است؛ بخش وسیعی از این درخواست‌ها به نگرفتن زیاد مالیات مرسوم، استفاده از محصلان و ناظران کم طمع در گرفتن مالیات و هم‌چنین کمک به کشاورزان در سالهایی که مالیات زیاد گرفته می‌شود و یا کشاورزی با آسیب‌های مختلفی مواجه می‌شوند، مربوط می‌شود (محقق سبزواری، ۱۳۸۱: ۷۱۹). می‌توان این گونه استنباط کرد وضعیت مالیات‌ها و نحوه‌ی برخورد مودیان مالیاتی با مردم به‌صورتی سخت برای روستائیان بوده است و درخواست این عالم که در قالب پند برخاسته از وضعیت واقعی جامعه روستائی زمان صفویه بوده است.

روستائیان با توجه به انواع مالیات و نحوه برخورد عوامل جمع‌آوری کننده مالیات و نوع مالکیت زمین، برای مقابله با وضعیت بد اقتصادی خود به چند اقدام دست می‌زدند. یک اقدام این بود که از روستا فرار می‌کردند و سعی داشتند خود را به روستاهایی برسانند که مالکین و یا مسئولین دولتی آن از روستائیان تحت ظلم حمایت نمایند؛ در این حالت مالک روستا از شاه و درباریان درخواست می‌کرد که روستائیان فراری او که در روستاهای دیگر ساکن شدند با حکم دولتی برگشت پیدا کنند (ستوده و ذبیحی، ۱۳۵۴، ج ۶: ۲۰)؛ این که سرانجام آیا مالک می‌توانست روستائیان خود را به روستا بر گرداند و یا نه مسئله‌ای است که چندان نمی‌توان تصویر روشنی از آن داشت؛ اما نفس و ماهیت این حرکت موجب می‌شد که مالک مجبور گردد با روستائیان خود در مسائل مالی کنار بیاید.

اگر حاکم منطقه و یا متولی روستا نمی‌خواست با روستائیان برسر گرفتن مالیات درگیر شود در این حالت از رسم (هست - بود) تبعیت می‌نمود (رشتیانی، ۱۳۹۴، ج ۱: ۹۵-۹۴). در این حالت مالک و کشاورز بدون توجه به میزان مالیات و یا بهره‌مالکانه تعیین شده، بر اساس میزان محصول به دست آمده با هم به بحث می‌پرداختند و دو طرف در نهایت به سهمی از محصول رضایت می‌دادند؛ اما در زمین‌های دولتی، مسئله به نحوه دیگری حل و فصل می‌شد. در این حالت وقتی وزیر ایالت می‌دید که محصولات کشاورزی کم است و یا وضعیت کشاورزی بحرانی است، برای این که صدای شکایت روستائیان به دربار نرسد و وضعیت حکومت او به خطر نیفتد، معمولاً با دادن مبلغی به داروغه که عامل

انتظامی وصول مالیات بود، کاری می‌کرد که برات‌ها بلا تکلیف باقی بماند (مشیزی بردسیری، ۱۳۶۹: ۲۲۱-۲۲۰).

در حالی که وزیر و یا حاکم حاضر به همکاری با روستائیان نمی‌شد در این حالت مردم با ارسال نامه شکایتی به دربار، درخواست برخورد با وزیر و یا حاکم را به دلیل اضافه ستانی و ظلم داشتند (رشتیانی، ۱۳۹۴، ج ۲: ۲۲۴ و ۱۶۹-۱۶۸). در دهه‌های پایانی حکومت صفویه اما این مسئله ابعاد تازه‌تری هم پیدا کرد. در این دوران روستائیان با فرار از روستاهای خود و سکونت در مناطق دورافتاده و با استفاده از بی‌نظمی حاکم بر جامعه دست به راهزنی می‌زدند (کارری، ۱۳۸۳: ۵۴). مجموع این واکنش‌ها از طرف روستائیان صرفاً برای این بود که بتوانند به زندگی مشکل خود ادامه دهند و نمی‌توان این‌گونه تصور کرد که با این واکنش‌ها زندگی روستائیان بهبود حاصل می‌کرده است بلکه فقط تا حدودی مشکلات تخفیف می‌یافته است.

### نتیجه

موضوع اصلی این مقاله بررسی تأثیر سه مالیات (مالوجهات، تسعیر و طرح) بر زندگی اقتصادی روستائیان در دوران صفویه بود. نگاهی تاریخی به این سه اصطلاح نشان می‌دهد که چطور این مفاهیم در طول یک دوره چند صدساله از معنی اولیه خود فاصله گرفته و بامعنای جدیدتری موقعیت و وضعیت جدیدتری پیدا نمود. یافته‌های این مقاله نشان می‌دهد فرایند مالیات‌ستانی در دوره صفویه، یک فرایند پیچیده و چندلایه بود، مالوجهات هرچند مالیات مرسوم بر زمین و کشاورزی بوده است اما در دوره صفویه به صورت منفک عمل نمی‌کرده است بلکه با استفاده از دو فرایند تسعیر و طرح شرایطی را به وجود می‌آوردند که در هر حالت روستائیان با هر وضعیتی نتوانند از فقر حاکم بر گروه و طبقه خود بگریزند؛ به بیان دیگر به جای این که روستائیان به دولت و دولت از روستائیان فقط مالیات کند، می‌توان به صورت قطع بیان کرد که دولت دست به اضافه ستانی می‌زده است. در چنین مواردی روستائیان برای مقابله با این شرایط به رفتارهایی دست می‌زدند که به واسطه آن بتوانند حداقل به حیات خود ادامه دهند. ترسیم این شرایط به ما نشان می‌دهد که هرچند ظاهراً جامعه روستائیان در دوران صفویه در یک فضای سکون و بی‌حرکی اجتماعی قرار داشته است ولی روستائیان با استفاده از روش‌های مختلف سعی می‌کردند فضای نامطلوب حاکم بر زندگی خود را قابل تحمل‌تر نمایند. نکته‌ای که نباید فراموش نمود آن است که نظام مالیات ستانی صفویه به همین سه نوع مالیات در مورد روستائیان ختم نمی‌شده

است ولی این سه، یک مثلث قدرت و نوک پیکان مالیات بوده که روستائیان هرروزه با آن برخورد داشته‌اند و روال عادی زندگی روستائیان تحت تأثیر این مالیات‌ها بوده است.

### یادداشت‌ها

۱. نسق به قواعد و نظام عرفی و حقوقی در استفاده از آب و زمین در اراضی مزروعی آبی و دیمی گفته می‌شد. صاحب نسق کسی بود که حداقل بیش از یک سال در زمین‌های مزروعی کار کرده باشد (خسروی، ۱۳۵۷: ۲۱).
۲. مالکیت، در این جا به معنای واقعی خودش نیست صرفاً بیان کننده این منظور است که «منفعت» زمین در اختیار چه کسی بوده است.
۳. زمین‌ها را به لحاظ نوع مالکیت می‌توان به صورت تیول، سیورغال، خاصه، خالصه، وقفی، ملکی در دوران صفویه تقسیم نمود. (برای اطلاع بیشتر رک. به طهماسبی، ۱۳۸۴. سلطانیان، ۱۳۹۳)
۴. در منابع تاریخی به صورت خاص در مورد میزان بهره مالکانه و سهم رعایا در زمینه ابریشم مطلبی نیامده است.
۵. در صیفی‌جات و میوه، مالیات به صورت نقد و با اضافه کردن ۱۵ درصد مالیات محاسبه شده، به مالیات اصلی، دریافت می‌شد.
۶. در دوره صفوی تعداد مالیات‌ها به ۵۰ نوع مالیات رسید (طهماسبی، ۱۳۸۴: ۱۰۷-۱۵۶).

### منابع

- ابن خلدون، عبدالرحمان بن محمد (۱۳۶۲). مقدمه ابن خلدون، ۲ ج، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران: علمی و فرهنگی، چاپ دوم.
- ابونصری هروی، قاسم بن یوسف (۱۳۴۷). رساله طریق قسمت آب قلب و مرد جوی و اراضی بلوکات ولایات که متضمن جغرافیای هرات است، تصحیح مایل هروی، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.
- انوری، حسن (۱۳۵۵). اصطلاحات دیوانی دوره غزنوی و سلجوقی، تهران: کتابخانه طهوری.
- التاریوس ادام (۱۳۸۵). سفرنامه التاریوس، ترجمه احمد بهپور، تهران: ابتکار نو.
- امین، سیدحسن (۱۳۸۴). دیوان استیفا: نظام مالیه عمومی در ایران، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- بوسه، هربرت (۱۳۶۷). پژوهشی در تشکیلات دیوان اسلامی: بر مبنای اسناد دوران آق‌قویونلو، قراقویونلو و صفوی، ترجمه غلامرضا وهررام، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- پطروشفسکی، ایلپاپولویچ (۱۳۵۷). کشاورزی و مناسبات ارضی در ایران عهد مغول، جلد دوم، تهران: نیل، چاپ سوم.
- تاورنیه، ژان باپتیست (۱۳۶۹). سفرنامه تاورنیه، ترجمه ابوتراب نوری با تجدید نظر کلی و تصحیح حمید شیرانی، تهران: کتابخانه سنایی و اصفهان: کتابفروشی تایید، چاپ چهارم.
- جعفریان، رسول (۱۳۷۰). دین و سیاست در دوره صفویه، قم: انصاریان.
- خسروی، خسرو (۱۳۵۵). نظام‌های بهره برداری از زمین در ایران از ساسانیان تا سلجوقیان، تهران: شبگیر، چاپ دوم.
- خسروی، خسرو (۱۳۵۷). جامعه دهقانی ایران، تهران: پیام.
- خوارزمی، ابوعبدالله محمد بن احمد یوسف کاتب (۱۳۶۲). ترجمه مفاتیح‌العلوم. ترجمه حسین خدیوچم، تهران: علمی و فرهنگی، چاپ دوم.
- دلاواله، پیتر (۱۳۸۰). سفرنامه پیتر دلاواله، دو جلد، ترجمه محمود بهفروزی، تهران: نشر قطره.
- دلند، اندره دولیه (۲۵۳۵). زیبایی‌های ایران، ترجمه محسن صبا، تهران: انجمن دوستداران کتاب.
- ذبیحی، مسیح و منوچهر ستوده (۱۳۵۴). از آستارا تا استارباد: شامل اسناد تاریخی گرگان، ج ششم، تهران: انجمن آثار ملی.
- رشتیانی، گودرز (۱۳۹۴). گزیده احکام و فرامین شاهان ایران به حکام قفقاز، جلد اول: از شاه تهماسب تا شاه سلیمان صفوی، تهران: وزارت امور خارجه.
- رشتیانی، گودرز (۱۳۹۴). گزیده احکام و فرامین شاهان ایران به حکام قفقاز، جلد دوم: از شاه سلطان حسین تا شاه تهماسب دوم، تهران: وزارت امور خارجه.



- سانسون، مارتین (۱۳۴۶). سفرنامه سانسون، وضع کشورشاهنشاهی ایران در زمان شاه سلیمان صفوی: تحقیق و مطالعه دقیق درباره آداب و اخلاق و حکومت ایران، ترجمه تقی تفضلی، تهران: بی نا.
- سبزواری، محقق (۱۳۸۱): روضه الانوار عباسی مابنی: اندیشه سیاسی و ایین مملکتداری، به کوشش نجف لک زایی، قم، بوستان کتاب.
- سرلک، رضا (۱۳۸۹). طایفه سرلک شاخه‌ای کهن از ایل بختیاری: بازنگاری و تحلیل دویست سند نویافته از صفوی تا عصر حاضر، تهران: طهوری.
- سلطانیان، ابوطالب (۱۳۹۳). نظام زمین داری و کشاورزی در دوره صفویه، رشت: دانشگاه گیلان.
- سیوری، راجر (۱۳۷۶). ایران عصر صفوی، ترجمه: کامبیز عزیزی، تهران: نشر مرکز، چاپ پنجم.
- شاردن، ژان (۱۳۴۵). سیاحتنامه شاردن، جلد ۸، ترجمه محمد عباسی، تهران: امیرکبیر.
- شانواز، بلال و راضیه خاقانی (۱۳۹۴). کاروانسراهای ایران زمین دوره صفویان، تهران: پارینه.
- شعبانی، رضا (۱۳۹۳): مابنی تاریخ اجتماعی ایران، تهران، قومس، چاپ هجدهم
- طهماسبی، ساسان (۱۳۸۴). کشاورزی و نظام زمین داری در دوره صفوی، رساله دکترا، اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- عیسوی، چارلز. (۱۳۶۲). تاریخ اقتصادی ایران عصر قاجار ۱۳۳۲-۱۲۱۵ (ق.ه)، ترجمه یعقوب اژند، تهران: گستره.
- فراگنر، برت (۱۳۸۲). اوضاع اجتماعی و اقتصاد داخلی، در تاریخ ایران دوره تیموریان (پژوهش کمبریج)، ترجمه یعقوب اژند، تهران: جامی، چاپ دوم.
- فلور، ویلم (۱۳۹۴). تاریخچه مالی- مالیاتی ایران از صفویه تا پایان قاجاریه، ترجمه مرتضی کاظمی یزدی، تهران: نشر تاریخ ایران.
- فوران، جان (۱۳۸۳). مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سالهای پس از انقلاب اسلامی، ترجمه احمد تدین، تهران: رسا، چاپ پنجم.
- فیگوئرا، گارسیا دیسلوا (۱۳۶۳). سفرنامه فیگوئرا، سفیر اسپانیا در دربار شاه‌عباس اول، ترجمه غلامرضا سمیعی، تهران: نشر نو.
- کارری، جملی (۱۳۸۳). سفرنامه کارری، ترجمه عباس نخجوانی و عبدالعلی کارنگ، تهران: علمی فرهنگی، چاپ دوم.
- کشیشان ژروئیت (۱۳۷۰). نامه‌های شگفت‌انگیز از دوران صفویه و افشاریه، ترجمه بهرام فره‌وشی، تهران: اندیشه جوان.
- کمپفر، انگلبرت، (۱۳۶۳): سفرنامه کمپفر، ترجمه کیکاووس جهاننداری، تهران، خوارزمی، چاپ سوم.

- لمبتن، آن (۱۳۸۲). تداوم و تحول در تاریخ میانه ایران، ترجمه یعقوب آژند، تهران: نشر نی، چاپ دوم.
- لمبتون، ا.ک.س (۱۳۶۲). مالک و زارع در ایران، ترجمه منوچهر امیری، تهران: علمی و فرهنگی، چاپ سوم.
- مشیزی بردسیری، سعید (۱۳۶۹). تذکره صفویه کرمان، تصحیح محمد ابراهیم باستانی پاریزی، تهران: نشر علم.
- منجم یزدی، ملاجلال الدین محمد (۱۳۶۶). تاریخ عباسی (روزنامه ملاجلال)، به کوشش سیف‌الله وحیدنیا، تهران: وحید.
- موید ثابتی، سید علی (۱۳۴۶). اسناد و نامه‌های تاریخی از اوایل دوره‌های اسلامی تا اواخر عهد شاه اسمعیل صفوی، تهران: کتابخانه طهوری، چاپ دوم.
- میرزا رفیعا، محمد رفیع بن حسن (۱۳۸۵). دستور الملوک میرزا رفیعا، تصحیح محمد اسماعیل مارچین کوفسکی، ترجمه علی کردآبادی، تهران: وزارت امور خارجه.
- میرزاسمیعا (۱۳۶۸). تذکره الملوک، به کوشش سید محمد دبیر سیاقی، تهران: امیرکبیر.
- مینورسکی، ولادیمیر فدورویچ (۱۳۶۸). سازمان اداری حکومت صفوی (تحقیقات و حواشی و تعلیقات مینورسکی بر تذکره الملوک)، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران، امیرکبیر، چاپ دوم.
- نصیری، میرزا علی نقی (۱۳۷۲). القاب و مواجب دوره سلاطین صفویه، تصحیح یوسف رحیم‌لو، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- نیومن، اندرو. (۱۳۹۳). ایران عصر صفوی: نوزایی امپراتوری ایران، ترجمه بهزاد کریمی، تهران: شرکت نشر نقد افکار.
- یوسفی‌فر، شهرام (۱۳۹۰ الف). شهر و روستا در سده‌های میانه تاریخ ایران، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- یوسفی‌فر، شهرام (۱۳۹۰ ب). جستارهایی در مناسبات شهر و شهرنشینی در دوره سلجوقیان، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.